

«بحران آب»، زمینه ساز درگیری‌های

آینده درخاورمیانه

نوشته: Joyce R. Starr کارشناس مسائل خاورمیانه

ترجمه: ا. طباطبائی

منبع: Foreign Policy Spring 1991 - No. 82

علیرغم همه مخاطرات فوق، مهالك آسیای غربی و شمال آفریقا در صد مقابله با کمبود آب برنمی‌آیند. گرچه مصرف آب در همه زمینه‌ها هنوز هم کمتر از میزان آب موجود است، با این وجود آب شیرین بطور فزاینده‌ای در سراسر منطقه کمتر و کمتر میشود. هدف اصلی بایستی آن باشد که آب با قیمتی قابل قبول در دسترس همگان قرار گیرد و بطور اساسی منابع موجود آب بهبود یابد. به گزارش بانک جهانی، منطقه آسیای غربی به طور متوسط بالاترین هزینه آبرسانی و بهداشت را در جهان دارد. در سال ۱۹۸۵ هزینه‌های سرمایه‌یابی آب به حد میانگین ۳۰۰ دلار برای هر نفر رسید که دو برابر هزینه‌ها در قاره آمریکا و پنج برابر آن در منطقه آسیای جنوب شرقی است.

با توجه به رشد فزاینده جمعیت، کشورهای منطقه نمیتوانند ذخایر آب را با این هزینه‌های بالا گسترش دهند. اسرائیل، مصر، اردن، سوریه، تونس و ترکیه اکنون برای مصارف آب شهری و صنعتی قیمت معین کرده‌اند، معهدا، قیمت‌های تعیین شده برای مصارف آبیاری در منطقه خاورمیانه حتی از هزینه دایر نگهداری و تعمیر دستگاه‌های آبرسانی بیشتر است. امارات منطقه خلیج فارس نیز ذخایر استراتژیک آبهای زیرزمینی خود را بیش از حد متعادل برای تولید محصولات کشاورزی که میتوان آنها را با قیمت‌های ارزانتری وارد نمود، مورد بهره‌برداری قرار میدهند.

اما قیمت گذاری مناسب و بهبود مدیریت داخلی به تنهایی بدون همکاری موثر کشورها نخواهد توانست مشکل تامین آب را در خاورمیانه حل کند. کشورهای ساحلی خلیج فارس برای نمونه از محصولات جنبی گاز طبیعی ناشی از حفاری نفت برای شیرین کردن آب استفاده می‌کنند، در حالیکه آبهای شیرین کشورهای همجوار به اقیانوس میریزد. این کشورها می‌توانند (به جای هدر دادن هزینه‌های شیرین کردن آب) مقداری از بولهای نفتی را صرف خرید آب از کشورهای منطقه کنند و در عین حال به صرفه جویی مصرف نفت و انرژی و ذخایر ناچیز آبهای زیرزمینی بپردازند و از فرسایش و صدمه رساندن به محیط زیست جلوگیری نمایند.

علاوه بر آن، با توجه به رشد بالای جمعیت در خاورمیانه که حد متوسط آن به ۳ درصد در سال می‌رسد، مسئله هدر دادن و به فاضلاب ریختن آبها می‌تواند ملل خاورمیانه را روبروی هم قرار دهد. مثلاً، آبهای هرز شهر بزرگ قاهره به تنهایی کفاف مصارف سالیانه خوراکی، بهداشتی، صنعتی و آبیاری سراسر اردن را می‌دهد. از اینرو، بدون همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه مدیریت تامین آب و جلوگیری از هدر رفتن ذخایر آن، اسراف در مصرف آب می‌تواند بصورت زمینه‌ای برای بروز جنگ جلوه گر شود.

بحران آب در منطقه آسیای غربی (خاورمیانه) از مسائل بسیار مهم و حساسی است که تاکنون مورد توجه دقیق یا لاقابل آشکار کشورهای دیگر و سازمانهای بین‌المللی قرار نگرفته است. از هم اکنون شواهد و مدارک غیرقابل انکاری وجود دارد که این منطقه بمرحله خطرناکی از کمبود و آلودگی آب نزدیک میگردد معهدا محافل جهانی و حتی کشورهای منطقه از برخورد با این مسئله بعنوان يك ارجحیت استراتژیک خودداری ورزیده‌اند. بهرحال بعید نیست بعد از بحران خلیج فارس، و قضایای لبنان و فلسطین، بحران آب و منازعه بر سر منابع آب در منطقه آسیای غربی بروز نماید، و این امر امنیتی که مرتباً بر شدت آن افزوده میشود مستلزم اقدامات پیگیر سیاسی و نیز ایجاد نهادهای اداری و مشورتی میباشد.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ دستگاه‌های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا نظر دادند که لاقابل در ۱۰ نقطه از جهان احتمال بروز جنگ بر سر مسئله نقصان آبهای مشترک وجود دارد و بیشتر این نقاط نیز در منطقه آسیای غربی میباشد. اردن، اسرائیل، قبرس، مالت و کشورهای شبه جزیره عربستان همه بمرحله خطرناکی رسیده‌اند که کلیه آبهای شیرین سطحی و زیر زمینی بطور کامل مورد بهره‌برداری قرار گرفته و منابع جدیدی برای رفع نیازهای آتی وجود ندارد. الجزایر، مصر، مراکش و تونس نیز ظرف ده تا بیست سال آینده با وضع مشابهی روبرو خواهند گردید. مراکش ظاهراً مساعی گسترده‌ای در زمینه بهره‌برداری از منابع آب و بهبود وضع بهداشت بعمل آورده، معهدا آن کشور نیز از سال ۲۰۰۰ به بعد پس از آنکه جمعیتش از مرز ۳۱ میلیون نفر بگذرد، با مسئله کمبود آب روبرو خواهد گردید.

الجزایر، اسرائیل، ساحل غربی رود اردن، غزه، اردن، تونس، و یمن در حال حاضر با مسئله کمبود شدید آب روبرو و نیازمند مساعی گسترده و سریع، سرمایه گذاری هنگفت، وضع مقررات و قوانین لازم و نظارت کامل میباشند که فقط بتوانند نیازهای جمعیت فزاینده خود را برآورند. تا اواخر دهه ۱۹۹۰ ممالک منطقه آسیای غربی و شمال آفریقا مجموعاً ۸۰ میلیون جمعیت را جذب خواهند نمود و آنوقت ظرفیت ناچیز آب و خدمات بهداشتی در برابر میزان غول آسای تقاضا قرار خواهد گرفت.

در چنین شرایطی تلفات انسانی ارقام فاجعه بار و اسف آوری خواهد داشت. برای مثال، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) گزارش کرده که در سطح جهان روزانه ۴۰/۰۰۰ کودک در اثر گرسنگی یا امراض ناشی از فقدان یا آلودگی آب جان میبازند و بیشتر اینگونه مرگ و میر کودکان در قاره آفریقا اتفاق میافتد. تا پایان قرن حاضر تقریباً ۴۰ درصد از جـ ت آفریقا در معرض خطر مرگ یا ابتلاء به امراض ناشی از کمبود یا آلودگی آب قرار خواهند گرفت.

عربستان سعودی و امارات متحده عربی، بتوانند آب را به نیروهای مزبور برسانند. معهدا بولی که امریکا باید برای حمل آب به سربازانش بپردازد خیلی از بهای نفت بیشتر است.

ایالات متحده همچنین واخدهای نمک‌زدانی قابل حمل به عربستان سعودی ارسال نموده و تانکر آب به اندازه اسلحه و مهمات در فهرست کالاهای ارسالی به عربستان اهمیت پیدا کرده است. يك واحد ویژه آبرسانی فعال گردیده و کارشناسان آمریکائی مسئولیت شناسائی منابع آب در مناطق غیرمسکونی نزدیک مرزهای عراق و کویت را برعهده گرفته‌اند.

معهدا طبق گفته مدیرکل سابق وزارت انرژی آمریکا، دولت آمریکا هیچ برنامه‌ای برای مقابله با خرابکاری در تلمبه‌خانه‌ها، واحدهای نمک‌زدانی آب دریا، لوله‌های انتقال آب یا سدها در خاورمیانه تنظیم نکرده است. در سال ۱۹۹۰ بیش از هزار فقره حمله علیه تأسیسات مربوط به انرژی در سراسر جهان صورت گرفت. سازمان مهندسين آمریکا که اردوگاهی برای چهل هزار نفر از افراد نیروی هوائی آمریکا در عربستان سعودی بنا کرد، طرحهای امنیتی - تدافعی جهت حفاظت از تأسیسات داخلی آمریکا تهیه و تکمیل نموده لکن فکری برای تأسیسات مشابه آمریکائی در خارج نکرده و در مورد تأسیسات آبرسانی در خارج و حتی حفظ تأسیسات نفتی نیز برنامه‌های کافی تهیه نموده است.

آب، ارتباطات، و ترابری برای حیات اقتصادی امری بسیار اساسی است و انرژی در این میان نقش مخرج مشترك دارد. مدیرعامل بخش برق و نمک‌زدانی شرکت Bechtel اشاره می‌کند که تقریباً کلیه کارخانجات شیرین‌سازی آب دریا در عربستان سعودی و کویت تأسیسات دو منظوره تولید برق / نمک‌زدانی هستند. گذشته از آن عمده آب مورد نیاز تولیدات پتروشیمی منطقه خلیج فارس از تأسیسات شیرین‌سازی آب دریا فراهم می‌گردد. کارخانجات و تأسیسات مهمتر در عربستان سعودی مانند سایر کشورهای خاورمیانه بصورتی نه چندان جدی در محاصره نیروهای انتظامی یا نظامی و پست‌های بازرسی قرار دارند و حتی بعضاً به چند فروند موشک هم مجهز هستند، لکن بطور کلی حفاظت از این تأسیسات بیش از میزانی که برای سیستمهای پست یا تلفن صورت می‌گیرد نمی‌باشد.

* تقسیم آب نیل

یک دهه خشکسالی در آفریقای شرقی آب نیل را که زندگی مردم مصر به

رهربان خاورمیانه به خوبی از امکان بروز جنگ در منطقه برسر کمبود آب آگاهی دارند. انورسادات رئیس جمهور سابق مصر در بهار سال ۱۹۷۹ (درست چند روز پس از امضای پیمان کمپ دبوید با اسرائیل) گفت: «تنها چیزی که می‌تواند دوباره پای مصر را به جنگ بکشانند، آب است.» اشاره وی در اینجا بیشتر متوجه اتیوپی بود که کنترل ۸۵ درصد از محدوده آبیگری نیل یا شاه‌رگ حیاتی مصر را در دست دارد. در سال ۱۹۹۰ ملک حسین نیز تهدیدات ستیزه جویانه مشابهی کرد.

بیشتر کشورهای خاورمیانه رودخانه‌های مشترك دارند و این رودخانه‌ها غالباً در معرض بهره‌برداری بیش از حد آب یا آلودگی زیاد قرار دارند. تجاوز عراق در اوت ۱۹۹۰ به بهانه بهره‌برداری بیش از حد کویت از میادین نفتی مشترك صورت گرفت، بعید نیست در آتی نزاع بر سر آب به صورت اصطلاحی رایج بین کارشناسان امور خاورمیانه درآید.

بزودی امنیت آب همدوش با امنیت نظامی در اطاقهای فرماندهان جنگی مطرح خواهد بود. برای مثال، هم آهنگی استراتژیکی ذخایر آب در عربستان سعودی در امور دفاعی این کشور اهمیت حیاتی دارد. در حال حاضر ۶۰ درصد از اقدامات مربوط به نمک‌زدانی و شیرین کردن آب در سطح جهان در منطقه خاورمیانه (خلیج فارس) صورت می‌گیرد. ظرفیت شیرین کردن آب در عربستان سعودی به تنهایی معادل ۳۰ درصد ظرفیت جهانی برآورد می‌شود، در حالیکه کویت و امارات دیگر خلیج فارس برای تامین آب آشامیدنی خود عمدتاً به شیرین کردن آب دریا متکی هستند. ابراز نگرانی مقامات عربستان سعودی مبنی بر اینکه دستگاههای بزرگ آب شیرین کن آنها که هر یک به اندازه يك شهر کوچک است، در صورت بروز جنگ هدف حمله قرار خواهد گرفت، ناگهان به صورت معضل جهانی درآمده است. در حقیقت، تأسیسات نمک‌زدانی تک تک کشورهای منطقه خلیج فارس (از لحاظ استراتژیکی) در معرض حمله نظامی یا خرابکاری است. نگرانی‌های عربستان سعودی در مورد آب هنگام استقرار نیروهای آمریکائی در بیابانهای هم‌مرز با کویت و عراق (در اواخر سال ۱۹۹۰ و اوایل سال ۱۹۹۱) بصورت يك مسئله بسیار مهم برای دولت آمریکا نیز درآمد. در وهله اول وزارت دفاع آمریکا به کارخانجات بطری پرکنی آب در عربستان سعودی و امارات متحده عربی اتکاء داشت. لکن طبق گزارشهای اصله، «گروه عملیاتی مدیریت منابع آب» که سازمانی زیر نظر چند وزارت خانه و تحت مدیریت وزارت دفاع قرار دارد، طرحی برای تامین آب مورد نیاز نیروهای آمریکایی آماده کرده تا در صورت قطع آب از سوی



○- بعید نیست که پس از قضایای فلسطین و لبنان و بحران خلیج فارس، برخوردی بزرگ بر سر منابع آب در خاورمیانه بروز نماید و مسئله «امنیت آب» هم‌دوش «امنیت نظامی» در دفاتر فرماندهان جنگی مطرح گردد.

○- از اوایل دهه ۱۹۸۰ دستگاه‌های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا اعلام نمودند که دست کم در ۱۰ نقطه از جهان احتمال بروز جنگ بخاطر کمبود آبهای مشترک وجود دارد و بیشتر این نقاط در آسیای غربی قرار گرفته است.

○- یکی از نگرانی‌های استراتژیک اسرائیل از پس دادن اراضی اشغالی به فلسطینی‌ها، مسئله بخشهای آبگیر و منابع آبهای کوهستانی است که در آنسوی «خط سبز» میان اسرائیل و ساحل غربی رود اردن قرار گرفته است.

معهد چهارچوبی برای یک طرح جامع در مورد نیل موجود است. مصر موفق به تشکیل یک گروه مشورتی گردیده که کلیه کشورهای دره نیل در آن عضویت دارند. گروه مزبور، گروه «اوندوگو» خوانده میشود که بمعنای «اخوت» است. در اجلاسهای اخیر برنامه‌ریزی اوندوگو، مصریها طرح درازمدت امیدوارکننده‌ای ارائه کرده و خواستار بهره‌برداری از آبهای نیل جهت تولید نیروی برق به مقدار بسیار زیاد جهت صدور به کشورهای منطقه و تحصیل ارزهای معتبر گردیده‌اند. درآمدهای حاصل از نیروی برق مزبور نیز بنوبه خود بمصرف طرحهای آب و آبیاری در کشورهای ساحلی نیل خواهد رسید. براساس طرح مصر، برق تولیدشده بوسیله سد «اینکا» در اوگاندا و سد اسوان در مصر را میتوان بوسیله خطوط انتقال نیرو به کشورهای واقع در بخش سفلی رود نیل از جمله مصر و سپس به اردن، سوریه، ترکیه و کشورهای اروپائی منتقل نمود. ساختمان سدھائی در دریاچه موبوتو در زئیر، و در دریاچه آلبرت در اوگاندا نیز در نظر گرفته شده و برق تولیدی سدھای مزبور در شبکه برق‌رسانی بین قاره‌ای تزریق خواهد شد.

انرژی عاری از آلودگی در شمال بفروش می‌رسد و بجای آن سرمایه‌های لازم برای توسعه اقتصادی و طرحهای عمرانی دریافت خواهد شد. اجرای چنین طرحی شاید تنها راه توافق در مورد استفاده از آب در کشورهای دره نیل باشد.

حمله عراق به کویت، در میان نگرانیهای امنیتی مصر در مورد آب، و سیاست‌های امنیتی آن کشور پیوندی ایجاد نمود. «صندوق کویت برای توسعه اقتصادی عرب» و سایر موسسات مالی در کشورهای ساحلی خلیج فارس در ژوئیه ۱۹۹۰ موافقت خود مبنی بر تأمین هزینه اجرای طرح کشاورزی در صحرای سینا را اعلام داشتند و پیش بینی میشود این طرح ۱/۳ میلیارد دلار هزینه در برداشته باشد. این پروژه توسط سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) بمنظور اسکان مصریها در شبه جزیره سینا و افزایش تولیدات کشاورزی و اجرای طرحهای عمرانی در این منطقه ارائه گردیده است. حدود ۹۷ درصد خاک مصر بیابان است و ۵۲ میلیون نفر از مردم مصر در ۳ درصد خاک این کشور زندگی می‌کنند. از طرف دیگر جمعیت مصر هر ده ماه به میزان یک

آن بستگی دارد شدیداً کاهش داده است. در این رودخانه سالانه ۵۵/۵ میلیارد متر مکعب آب جریان دارد که بیش از ۸۶ درصد آن در مصر مصرف می‌گردد. در تابستان ۱۹۸۸، آب نیل به پایین‌ترین سطح خود در طول یک قرن رسید و مصریها مجبور شدند از ذخایر دریاچه ناصر استفاده کنند.

بحران مزبور اهمیت حیاتی نیل را برای اقتصاد و زندگی مصر بار دیگر بخوبی نشان داد. چنانچه هتل‌ها نتوانند باندازه کافی آب جهت مصارف خوراکی و بهداشت و زیباسازی محیط بدست بیاورند به صنعت جهانگردی لطمه وارد خواهد آمد، و کشتیهای تفریحی قادر نخواهند بود در آبهای نیل حرکت کنند. تولید نفت نیز دیگر برای مصر سودی نخواهد داشت، زیرا نفت بطور روزافزون جهت تولید ۲۸ درصد از نیروی برق کشور که معمولاً بوسیله آبهای نیل تولید میگردد، بمصرف خواهد رسید.

از آن گذشته تولید مواد غذایی مصر نیز میتواند در معرض نابودی قرار گیرد زیرا تقریباً کشاورزی آن کشور متکی به آب نیل میباشد. مصر در حال حاضر ۵۰ درصد از مایحتاج غذایی خود را وارد میکند و افزایش واردات مواد غذایی بر اقتصاد تحت فشار مصر ضربات مهلکی وارد خواهد ساخت. حذف سوبسیدهای دولتی راه جذابی از لحاظ سیاسی نیست زیرا در فوریه ۱۹۷۷ انورسادات رئیس جمهور وقت مصر پس از آنکه بخواسته صندوق بین‌المللی پول سوبسید مواد غذایی را حذف کرد با تظاهرات و اعتصابات گسترده‌ای روبرو گردید.

معهدا در حالیکه میزان آب در سطح منطقه‌ای در حال کاهش است، نیاز مصر به آب به میزان نگران‌کننده‌ای در حال افزایش می‌باشد و این امر معلول رشد سریع جمعیت مصر است که پیش بینی میشود تا سال ۲۰۰۰ به مرز ۷۵ میلیون نفر برسد. مصر که آخرین کشور ساحلی نیل است کنترل و نفوذ چندانی بر هشت کشور دیگر که در بخشهای علیای نیل قرار گرفته‌اند، ندارد و این درحالیست که بطور غالی اظهار داشته که امنیت ملی مصر به مسئله آب بستگی دارد.

در سپتامبر ۱۹۸۹، غالی زنگ خطر را در حضور اعضای کنفرانس آمریکا بصدا درآورده و پیش بینی کرد چنانچه شرایط جاری ادامه یابد، مصر و سودان تا سال ۲۰۱۰ با نقصان و کمبود شدید آب مواجه می‌شوند زیرا دو کشور تا آن زمان سالانه به ۵ میلیارد مکعب آب نیاز خواهند داشت. مصر تقریباً هیچگونه نزولات آسمانی ندارد - کل بارانی که در آن کشور میبارد به سالانه ۷/۵ سانتیمتر بالغ میگردد - و در مورد سودان، فقط آبیاری ۵۰ درصد اراضی کشاورزی از محل آب باران تأمین میشود. کشورهای ساحلی دریاچه ویکتوریا یعنی کنیا، تانزانیا، اوگاندا، و تا حدودی رواندا نیز تا دو دهه آینده به لااقل ۱۰ میلیارد متر مکعب آب در سال نیاز خواهند داشت و بقول «غالی» از همه بدتر آن است که هر کدام از کشورهای واقع در کنار نیل در قبال کنترل و مدیریت منابع آب انتظار منابع مختلفی را دارد. بطور غالی افزوده است:

«...و سایر ممالک آفریقائی... به سطح کشت و کار و کشاورزی آبیاری شده مانند مصر نرسیده‌اند و لذا باندازه ما به مسئله کمبود آب توجه ندارند. این نمونه بارز اختلافات رفتاری بین ممالک قسمت علیا و سفلی رودهای بین‌المللی میباشد.»

حتی در بهترین مواقع هیچ یک از ممالک واقع در سواحل نیل به تنهایی و بدون کمک خارجی قادر نیستند سرمایه کافی جهت اجرای طرحهای شدیداً لازم برای ذخیره‌سازی و تنظیم و تنسيق آب فراهم سازند. دیون خارجی آفریقا تقریباً به ۲۶۰ میلیارد دلار بالغ می‌گردد، در حالی که سهم کشورهای دره نیل از این میزان ۸۰ میلیارد دلار است. همانطوریکه غالی اشاره کرده است، استفاده از کمک سازمانهای بین‌المللی و کشورهای مختلف غیرممکن خواهد بود مگر اینکه کشورهای منطقه به نوعی تفاهم برسند. لکن علیرغم سالهای متوالی سعی و کوشش هنوز توافق رسمی بین کشورهای ساحلی برای طرحی جهت تقسیم و بهره‌برداری از آب نیل وجود ندارد.

اتیوپی را مانند سودان شورشهای داخلی از هم دریده است. دولت اتیوپی همچنین دچار نگرانی دائمی مبنی بر سوءاستفاده مصر از آبهای نیل میباشد.



باران بظرف غرب و بسوی جلگه ساحلی و دریای مدیترانه جاری میشود. اسرائیل قسمت اعظم آبهای طبیعی (ناشی از باران) را مورد بهره برداری قرار میدهد و از اواسط دهه ۱۹۶۰ به بعد درصدد بوده که از این طریق رشد کشاورزی، صنعتی، و جمعیتی خود را تامین نماید. حوزه آبخیز ساحل غربی جوابگوی ۲۵ تا ۴۰ درصد از آبهای مورد نیاز اسرائیل است در حالیکه منابع آب زیرزمینی، تصفیه مجدد آبهای هرز و فاضلاب، دریاچه‌ها و گودال‌های آبخیز، چشمه‌های شور و سایر منابع، بقیه آب مورد نیاز آن کشور را تامین مینماید.

کارشناسان فلسطینی عموماً تصدیق میکنند که اسرائیل آب مورد نیاز برای مصارف خانگی و صنعتی را به ساکنین ساحل غربی میرساند، معهداً مدعی هستند که اسرائیل از تأمین آب کافی برای توسعه کشاورزی خودداری مینماید، در حالیکه کشاورزی نیروی محرکه و حیات بخش زندگی اقتصادی آن منطقه بشمار میرود.

محصولاتی که آب بیشتری مصرف میکنند مانند بنه اسرائیل یا موز اردن گرچه به افزایش درآمدهای صادراتی کمک میکنند لکن به مخازن و ذخایر آب لطمه وارد میآورند.

بخش کشاورزی ۵ درصد از درآمد ناخالص ملی اسرائیل را تأمین می‌کند در حالیکه ۷۰ درصد از آبهای موجود کشور را مصرف مینماید. کشاورزان اسرائیلی مجبور شده‌اند ۳۷ درصد کاهش آب را ظرف یکسال گذشته برای بعضی محصولات بپذیرند ولی اسرائیلی‌های ساکن ساحل غربی از کشاورزی گسترده و فشرده منع گردیده‌اند. آب مخازن و ذخایری که در حال حاضر تا حدود خطرناکی مورد بهره برداری قرار گرفته بطور فزاینده‌ای رو به شوری میرود و در اثر حفر چاههای بیش از حد از هر دو طرف متحمل خسارات جبران ناپذیری خواهد گردید.

اسرائیل به تنهایی از منابع آب خود به میزان ۱۵ تا ۲۰ درصد بیش از حد طبیعی بازپرسازی استفاده می‌کند و همین امر باعث پائین رفتن سطح آب و خشک شدن چاههای کم عمق گردیده است. دریای جلیله یا دریاچه کینه رت Kinneret که تقریباً یک سوم آب مورد نیاز اسرائیل را تامین مینموده به

میلیون نفر افزایش پیدا میکند. نگرانی از دست دادن اعتبارات کویت و سایر ممالک ساحلی خلیج فارس از عوامل دیگری بود که مصر را به یاری امریکا در بحران اخیر خلیج فارس وادار ساخت.

در شرق این منطقه، موضوع تقسیم آب بین اسرائیل و اردن، تقریباً برای چند دهه گذشته پایدار و ثابت بوده است. بنابر این مقامات دولت اسرائیل پیشنهادهای سال ۱۹۹۰ ملک حسین را مبنی بر این که منازعات مربوط به آب میتواند به جنگ منتهی شود، بدو نقشه‌ای برای سرازیر نمودن کمکهای ممالک عربی به اردن تلقی نمودند. معهداً این خطر نیز وجود داشت که ملک حسین در جای خود از مسئله آب جهت برانگیختن افکار عمومی استفاده کند. لکن بنظر میرسد خشم ملک حسین کمتر ناشی از مسئله تقسیم آب و بیشتر مربوط به خودداری اسرائیلی‌ها از تأمین هزینه ساختمان سد «وحده» بر قسمت علیای رود «یرموک» توسط بانک جهانی بوده است. این سد، جریان آب را تحت نظم درمی‌آورد و آب لازم برای دره اردن و آب مورد نیاز مجتمع شهری امان - زرقه را تامین خواهد نمود. اما بانک جهانی تا زمانیکه همه ممالک ساحلی یک رودخانه بین‌المللی رضایت خود را اعلام نکنند از تأمین هزینه طرحهای بین‌المللی آب خودداری مینماید. اسرائیل از اعلام رضایت خودداری و این امر را به دریافت سهم عادلانه‌ای از آب مزبور منوط کرده است. از آنجا که رودخانه یرموک ۳ درصد آبهای مورد نیاز اسرائیل را تامین میکند، اسرائیلی‌ها ادعا دارند که پروژه یرموک میتواند شدیداً توانائی آنان را جهت تأمین آب مورد نیاز مردم تحت تأثیر قرار دهد.

یکی از نگرانی‌های استراتژیک اسرائیل از پس دادن اراضی اشغالی به فلسطینی‌ها مسئله آینده حوزه آبخیز و منابع آب کوهستانی است که در آنسوی «خط سبز» میان اسرائیل و ساحل غربی قرار دارد. تعدادی از کارشناسان اسرائیلی، فلسطینی و خارجی اظهار نظر میکنند که ۸۰، ۶۰، ۴۰ یا ۲۰ درصد از این ذخایر آب زیرزمینی (برحسب نظر کارشناسان مختلف) زیر منطقه ساحلی غربی واقع است.

احتمالاً ۷۰ تا ۸۰ درصد از منابع مزبور و نیز ۷۰ تا ۸۰ درصد مخازن که با آب باران پر می‌شود، در ساحل غربی قرار دارد. معهداً همه این آبهای ناشی از

پائین‌ترین سطح خود در خلال شصت سال اخیر رسیده است.

دولت اسرائیل در نظر دارد چنانچه حالت خشکسالی ادامه یابد، وضعیت فوق‌العاده و اضطراری در مورد منابع آب کشور اعلام نماید. رئیس دیوان عالی محاسبات اسرائیل در ژانویه ۱۹۹۱ گزارش ویژه‌ای انتشار داد و ضمن آن هشدار داد که اسرائیل عملاً ذخیره‌ای در مخازن و آبگیرهای خود موجود ندارد. وی وزارت کشاورزی را مقصر شمرد که بیش از اندازه آب در اختیار کشاورزان و مصارف کشاورزی قرار داده و به اخطارهای مکرر پیرامون کمبود آب توجه ننموده است. وی افزود امروزه خطر واقعی اینست که فراهم آوردن آب کافی حتی برای کوتاه مدت نیز غیرممکن خواهد بود.

نوار غزه که نیمه بیابانی و خشک است فقط دارای یک مخزن زیرزمینی آب میباشد و در آنجا، آلودگی به سطحی بحرانی رسیده است زیرا میزان زیادی مواد دفع آفات نباتی و کود شیمیایی به مصرف رسیده و در بسیاری از شهرها و روستاها خدمات جمع‌آوری یا خنثی کردن زباله و فضولات از نظر شیمیایی وجود ندارد. بهره‌برداری سنگین از ذخایر آب همچنین باعث نفوذ آب دریا گردیده و مخازن آب غزه تا سال ۲۰۰۰ یعنی وقتی که جمعیت آن منطقه به مرز یک میلیون نفر می‌رسد غیرقابل مصرف خواهد شد.

اسرائیل مشغول نصب لوله جهت انتقال آب از ذخایر خود به منطقه غزه میباشد. ولی با توجه باینکه انتظار میرود ظرف دهه آینده بین ۱ تا ۲ میلیون از یهودیان شوروی نیز وارد اسرائیل شوند و این رقم به ۵/۴ میلیون نفر اسرائیلی تا سال ۲۰۰۰ افزوده می‌شود، راهی وجود ندارد که اسرائیل، ساحل غربی، یا نوار غزه به سادگی بتواند نیازهای خود را به آب مرتفع سازند مگر اینکه اسرائیل بتواند با آهنگی سریعتر از آبهای هرز و فاضلاب بهره‌برداری کند، به گونه‌ای ارزاتر، سریعتر و بیشتر آبهای شور را شیرین نماید، یا اینکه آب را از خارج وارد کند. علاوه بر آن، اسرائیل در سال گذشته هیچگونه نزولات آسمانی نداشته و خشکسالی ممتد بسادگی میتواند از یک وضع بحرانی یک فاجعه بسازد.

کلیه طرفهای ذینفع - از جمله دانشمندان و اساتید دانشگاه علاقمند به موضوع - تاکنون صرفاً به ارائه آمار، تفسیر ارقام، و نوشتن مقالات در جراید برحسب

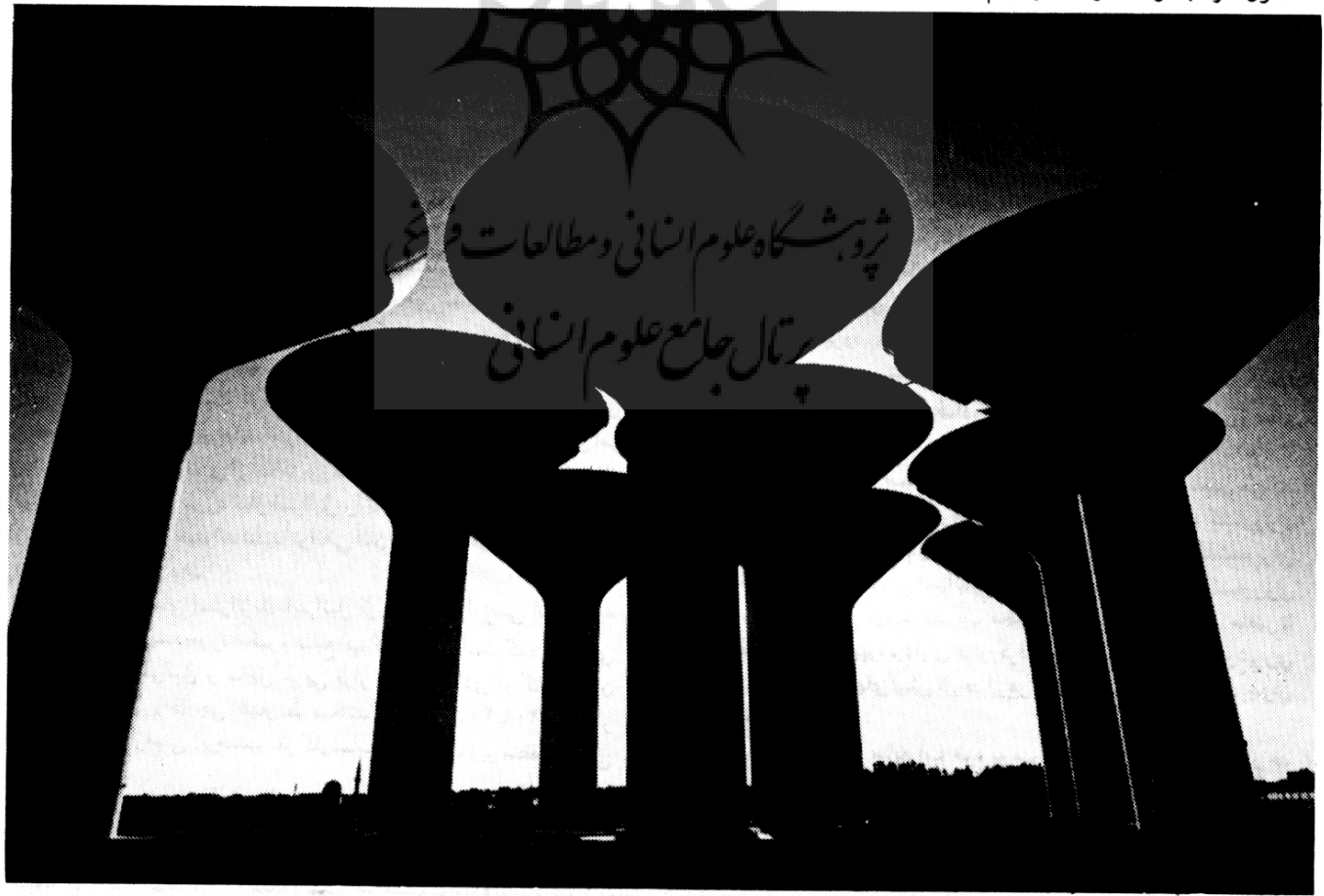
تمایلات و خواستای سیاسی خود پرداخته‌اند. معهذاتنها حقیقت انکارناپذیر آن است که فلسطینی‌ها قدرت تصمیم‌گیری ویژه‌ای جهت تامین آب آینده خود ندارند. بهر حال بدون یک موافقتنامه جامع یا تفاهم در خصوص تقسیم آب بین اسرائیل، ساحل غربی، اردن و سوریه از یکطرف و اسرائیل و نوار غزه از طرف دیگر راه عادلانه جهت مصرف و بهره‌برداری منصفانه از آب و اتخاذ خط مشی لازم در این زمینه بوجود نخواهد آمد.

طرفهای درگیر این قضیه در باره ارقامی وقت تلف میکنند که شاید درست باشد یا نباشد. واقعیت آن است که اسرائیل، ساحل غربی، و غزه اردن با کمبود آبی برابر ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون متر مکعب در سال (و بعضی‌ها برآورد میکنند که رقم واقعی بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون متر مکعب در سال میباشد) روبرو هستند. این وضعیت در اثر خشکسالی وخیم‌تر گردیده و باید راه نجاتی برای مقابله با این وضع پیدا کرد آنهم با هزینه‌ای که طرفهای ذینفع بتوانند آنرا تحمل نمایند و این امر میسر نیست مگر از طریق کاربرد تکنولوژی یا وارد کردن آب.

همراه با تلاش گسترده اسرائیل برای آب، مذاکره با شرکتهای خصوصی ترکیه بطور فزاینده‌ای جذاب تر میگردد. یک طرح احتمالی، حمل آب در دوطرف‌های بزرگ یا کیسه‌های بزرگ نایلونی از ترکیه میباشد. تأسیس بندرگاههای ویژه و لوله‌های اضافی رقمی معادل ۲۰۰ میلیون دلار به هزینه تهیه آب اضافه می‌کند. هرچند وزیر کشاورزی اسرائیل در نوامبر ۱۹۹۰ اظهار نمود که دولت اسرائیل مایل به وارد کردن آب نیست، اما واردات آب توسط بخش خصوصی را تشویق نمود.

بررسی اصول و واقعیات کار و مذاکرات مربوطه بین کمیسیون آب اسرائیل و شرکت‌های ترکیه هنوز مراحل اولیه را طی میکند. یک مقام اسرائیلی اظهار داشته چنانچه هزینه آب خیلی بالا باشد معامله‌ای صورت نخواهد گرفت. در عین حال، تبلیغات مخالف و اقدامات سیاسی در دنیای عرب نیز مذاکرات را کند نموده است.

حوزه رودهای اردن و یرموک برای توسعه جامع خیلی مناسب است لکن کلیه طرحهای مشترک پیشنهادی، قربانی خصومت‌های اعراب - اسرائیل، یا اردن و سوریه شده است. سد پیشنهادی وحده - میتواند آب رود یرموک را که



گردید. دو خط لوله بزرگ آب را به کشورهای مزبور خواهد رسانید: یکی به اردن و سوریه و دیگری به بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، و امارات متحده عربی. این خط لوله مجموعاً به حدود ۱۵ میلیون نفر آب آشامیدنی خواهد رساند و هزینه احداث آن معادل ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

اما اجرای «خط لوله صلح» چنانچه منابع مالی آن تامین گردد، به هشت تاده سال زمان نیاز دارد، و تامین هزینه آن بعهده کلیه ممالک ذینفع است. آنها باید يك موافقتنامه تقسیم آب مشترك تهیه نمایند، حال آنکه تهیه چنین موافقتنامه‌هایی در گذشته حتی برای طرحهای منفرد نیز میسر نبوده است. به ملاحظات سیاسی و نیز هزینه بسیار بالای خط لوله مزبور در مقایسه با شیرین سازی آب دریا در محل، سعودیها و کویتی‌ها تقاضای اوزال را برای سرمایه گذاری در این زمینه نپذیرفته اند.

مقامات ارشد کویتی و سعودی همچنین از اینکه آب مورد نیازشان تحت حاکمیت و کنترل ترکیها باشد، هراس داشته‌اند. پس از فروکش کردن بحران کویت طرح خط لوله مزبور میتواند مورد توجه و عنایت بیشتری واقع شود، هرچند يك راه آبی که از چندین کشور عبور میکند همواره میتواند هدف حمله قرار بگیرد.

گرچه ترکیه که سرچشمه رودهای دجله و فرات را کنترل مینماید، از منابع فراوان آب بهره‌مند است، لکن ۴۰ درصد از زمین‌های کشاورزی آن در جنوبشرقی آناتولی قرار دارد و این سرزمینی است که بطور کلی از کمبود آب رنج میبرد. برای کاهش دادن این کمبود، در سال ۱۹۸۳ ترکیه «طرح عمران آناتولی جنوبشرقی (GAP)» را آغاز کرد که مجموعه‌ای از ۱۳ طرح فرعی شامل سدهای ذخیره آب جهت آبیاری و سدهای تولید برق از جمله سد معظم آتاتورک، هفت فقره از سدهای مزبور بر رود فرات و شش فقره دیگر بر رود دجله بنا خواهد شد.

پس از تکمیل طرح مزبور تقریباً ۲۴ میلیارد کیلووات ساعت انرژی (تقریباً نصف نیازهای کنونی ترکیه به انرژی) تولید می‌شود و ۱/۶ میلیون هکتار از اراضی آن کشور زیر کشت آبی خواهد رفت. دولت ترکیه امیدوار است اضافه تولید محصولات غذایی ناشی از اجرای طرح مزبور را به اروپا و خاورمیانه بفرشد. معهدا در سطوح کنونی سرمایه‌گذاری، بیش از ۵۰ سال طول خواهد کشید تا دولت ترکیه بتواند کل طرح مزبور را تکمیل نماید.

GAP نگرانی سوریه و عراق را در مورد کاهش آبی برای طرحهای کشاورزی و صنعتی‌شان در آینده برانگیخته است. سوریه و عراق هراس دارند که سد آتاتورک قسمت اعظم جریان آب فرات را به جلگه «اورفا» در ترکیه سرازیر کند و آنها را به آب ترکیه متکی سازد.

عراق که از مدت‌ها قبل نسبت به طرحهای عمرانی سوریه در دره رود فرات نگران بوده، اکنون می‌بیند که احداث سد از سوی ترکیه میتواند جریان ۲۲ میلیارد متر مکعب آب رودخانه مزبور به عراق را به میزان ۵۰ تا ۷۵ درصد کاهش دهد. مقامات ترک ابراز مینمایند که این امر از لحاظ فنی غیرممکن است و ترکیه نیز از ذخیره آب برای مدت مدید زیان خواهد دید. یکبار دیگر، فقدان آمار و ارقام مشترك و تجزیه و تحلیل بیطرفانه موجب ترس و عدم اطمینان می‌گردد.

ترکیه در نوامبر ۱۹۸۹ با اعلام این مطلب که برای آغاز عملیات پر کردن دریاچه سد آتاتورک از اول ژانویه ۱۹۹۰ برای يك ماه از جریان یافتن آب فرات جلوگیری خواهد نمود، به ترس و نگرانی همسایگان دره سفلی این رود دامن زد. بعضی منابع خاورمیانه اظهار نظر میکنند که صدام حسین این اقدام را قسمتی از توطئه آمریکا علیه عراق تلقی کرده است. جهت کاهش این نگرانی‌ها، دولت ترکیه «اطلاعات فنی تفصیلی» درخصوص انحراف موقت آب رود فرات به سوریه و عراق ارائه نمود و پیشنهاد کرد جهت جبران این امر، در فاصله ماههای نوامبر و ژانویه ۱۹۹۱ جریان آب رودخانه را افزایش دهد. در طی اوج بحران، اوزال تعهد خود را نسبت به حل و فصل منازعات مربوط به آب با سوریه و عراق مورد تاکید قرار داد و نگرانی‌های آن دو کشور را بجا دانست. وی اظهار داشت: «ترکیه متوجه نگرانی این دو کشور مزبور

○ - به گزارش «یونیسف»، روزانه ۴۰ هزار کودک بر اثر گرسنگی یا بیماریهای ناشی از کمبود یا آلودگی آب جان می‌بازند و بیشتر این مرگ و میرها در قاره آفریقا است. در همین حال، بررسی کارشناسان نشان می‌دهد که منابع آب و زمین آفریقا میتواند پاسخگوی نیازهای جمعیتی چند برابر اهالی کنونی آن قاره باشد.

○ - در پاسخ به این پرسش «تکراری» که آیا پیش از حل و فصل مسائل بزرگ سیاسی در منطقه، میتوان مشکلات دو جانبه مربوط به آب بین کشورهای مورد بررسی قرارداد؟ تنها يك پاسخ وجود دارد: يك رهیافت حاکی از بی‌اعتنائی دولتها به موضوع کمبود آب در خاورمیانه، هرگونه ابتکار صلح را در آینده با شکست روبرو خواهد ساخت.

به طور عادی به رود اردن و مآلاً به دریای میت میریزد، ذخیره کند. در واقع با توجه به رشد ۳/۸ درصد جمعیت اردن که از بالاترین ارقام رشد جمعیت در جهان است، آب برمک فقط میتواند برای مدتی کمتر از پنج سال کفاف نیازهای اردن را بدهد.

در نتیجه، اردن برای تامین آب مورد نیاز خود، به راه‌های موقت اتکاء نموده و از جمله به حفراهایی عمیق جهت بهره‌برداری بیشتر از منابع آبهای زیرزمینی و تکنولوژی نسبتاً پرهزینه مانند آبیاری قطره‌ای متوسل شده است. یکی از طرق امیدوارکننده، استخراج آب با نیروی خورشیدی و شیرین کردن آبهای شور دره رود اردن واقع در جنوب دریای میت میباشد، لکن هزینه‌های اولیه اینگونه طرحها برای کشوری با وضعیت اقتصادی اردن بسیار سنگین و غیرقابل تحمل است. تکنولوژی میتواند به رفع مشکل کم‌آبی اردن کمک کند، لکن همکاری‌های سیاسی منطقه‌ای بین کشورهای ساحلی يك رودخانه بایستی قبلاً فراهم گردد و سپس نسبت به بهره‌برداری مشترك از آبهای سطحی منطقه اقدام بعمل آید.

لبنان در مقایسه با همسایگان خود، دارای منابع فراوان آب است که میتواند به دیگران نیز سهمی برساند. رودخانه‌های متعدد و ذخایر آب زیرزمینی آن قابل اعتماد بوده و با نزولات آسمانی بویژه برف در کوهستانها تقویت میگردد. يك نظام ملی مهندسی و مدیریت ذخیره سازی آب میتواند لبنان را بصورت يك منبع پررونق آب در خاورمیانه درآورد بشرطی که بصیرت و ثبات لازم جهت تشخیص این امر وجود داشته باشد، اما متأسفانه این کشور از کمبود شدید آب در بیروت رنج می‌برد، ذخایر زیرزمینی آب در مناطق ساحلی در معرض نفوذ آب دریا قرار گرفته، زمین‌های کشاورزی در اثر نبودن آب کافی بایر گردیده و جنگ داخلی صدمات شدیدی به لوله‌های انتقال آب و ذخایر آب زیرزمینی وارد آورده است.

* برنامه ترکیه برای آب

فراوانی آب در ترکیه میتواند این کشور را بعنوان يك قدرت متوازن کننده در خاورمیانه درآورد. از اواسط دهه ۱۹۸۰ تورگوت اوزال رئیس جمهور فعلی و نخست وزیر آن زمان، اندیشه «خط لوله صلح» برای حمل آب از ترکیه به منطقه خلیج فارس و کشورهای خاور نزدیک را ارائه کرده و پیش برده است. براساس این طرح آب رودهای سیحان و جیحان در ترکیه که به مدیترانه میریزد از طریق سوریه، اردن و عربستان سعودی به ممالک منطقه خلیج فارس منتقل خواهد

کرده که توطئه‌ای از سوی سوریه را جهت منفجر ساختن سد آتاتورک کشف کرده، زیرا سوریه وجود این سد را برای کشاورزان خود خطری بزرگ می‌شمارد. در سال ۱۹۸۷ ترکیه نسبت به احتمال کاهش جریان آب فرات به سوریه خبر داده و ظاهراً حمایت سوریه از «تروریست‌های کرد» را بهانه قرار داده بود. این موضوع یکی از منابع پایدار تشنج بین دو کشور می‌باشد.

در اکتبر ۱۹۸۹ جنگنده‌های میگ سوریه در یک «مأموریت آموزشی» یک هواپیمای مساحی ترکیه را در داخل مرزهای آن کشور هدف قرار داده و ساقط کردند. در این حادثه پنج نفر جان خود را از دست دادند و کل قضیه ظاهراً به اختلافات سوریه و ترکیه بر سر آب مربوط می‌گردد.

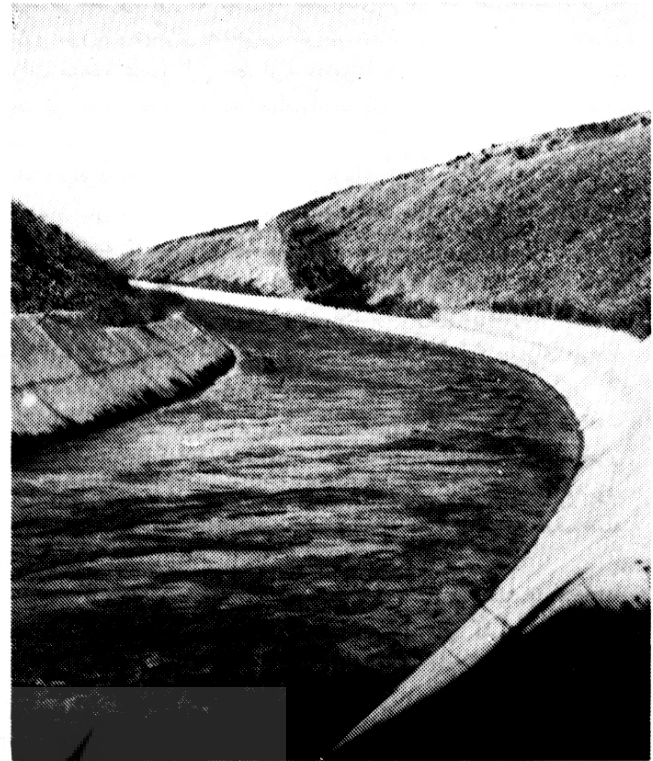
اصطکاک بین عراق، سوریه و ترکیه بر سر دسترسی به آب را فقط از طریق یک موافقتنامه روشن بین سه کشور میتوان از میان برداشت که سهم هر یک از سه کشور را از آب رودخانه‌های دجله و فرات تعیین کند. اما مذاکرات در این باره از سال ۱۹۶۰، به بعد بدون اخذ نتیجه ادامه داشته است. برای مثال کمیسیون سه جانبه در خصوص فرات بطور مرتب برگزار شده لکن فقط به امور فنی، میزان جریان آب رودخانه و ارقام مربوط به بارندگی پرداخته است. با نبودن یک پروتکل رسمی در مورد مدیریت و نحوه تقسیم آب بین کشورهای ساحلی، بانک جهانی و سایر سازمانهای وام دهنده قادر به ارائه یک طرح برای تأمین مالی GAP و طرحهای عمرانی زیربنایی مربوط نبوده‌اند.

در عین حال کشورهای ساحلی پائین رود از افزایش شدید املاح در آب صدمه کشیده و هیچ کدام نمیتوانند به اهداف عمرانی و آبادانی خود نائل شوند. یک طرح جامع مدیریت ترس‌های سوریه و عراق را برطرف خواهد نمود و ضمناً منافع حاصله را برای هر سه کشور افزایش خواهد داد. ادامه بن بست و عدم پیشرفت امور و احداث سدهای جدید بطور یکجانبه، برعکس میتواند به وخامت وضع، اختلافات بیشتر و رویارویی مسلحانه منجر گردد.

مقابله با موقعیتهای اضطراری

سازمان ملل متحد میتواند نقش عمده و پیشتازی در جهت نزدیک کردن طرفهای درگیر در مسائل آب در خاورمیانه ایفاء نموده و همگان را نسبت به خطر و مشکل مشترک هوشیار سازد و به سوی تفاهم بکشاند.

سازمان ملل متحد دهه ۱۹۸۰ را بعنوان دهه بین‌المللی تدارک و عرضه آب آشامیدنی و بهداشت معرفی کرد. سازمانهای مربوطه در بانک جهانی و سازمان ملل متحد - بویژه برنامه عمران ملل متحد (UNDP)، یونسف، برنامه محیط زیست ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی، و مرکز اسکانهای بشری ملل متحد، کوشش زیادی در این زمینه بعمل آورده‌اند. ولی بانک جهانی و دیگر موسسات عمده سازمان ملل متحد دارای قدرت لازم سیاسی یا مسئولیت مشخص برای مذاکره در باب اختلافات مربوط به آب در بین کشورهای جهان نیستند مگر



می‌باشد و آنرا درک میکند ولی ما به آنها صدمه‌ای وارد نخواهیم آورد. برعکس، ترکیه بیش از حد لازم کمبود آب را جبران خواهد نمود. من سعی کرده‌ام عراق و سوریه را نسبت به مقاصد و نیت مثبت خود متقاعد سازم. لکن مطابق انتظار، عراق و سوریه نسبت به قطع آب فرات عکس العمل نشان دادند و به ارسال تلگرامهایی دیپلماتیک، سفرهای متعدد و اختطافهای پیاپی دست زدند.

خشکسالی اخیر نیز مسائل فوق‌الذکر را تشدید نموده است. سال گذشته یکی از خشک‌ترین و کم‌بارانترین سالها در مدت نیم قرن گذشته بوده و منجر به نقصان قابل توجه آب فرات شده است. در طی یک سال متوسط ظرفیت فرات تخمیناً به ۳۱/۸۲۰ میلیون متر مکعب بالغ می‌گردد و این میزانی است که نیازهای ترکیه، سوریه و عراق را تأمین مینماید. لکن در سال ۱۹۸۹ جریان آب سالانه به ۱۶/۸۷۰ میلیون متر مکعب سقوط کرد و موجب کمبود شدید آب در هر سه کشور گردید.

خشکسالی باعث رکود اقتصاد ترکیه شد، لکن وضع سوریه حتی از آنهم بدتر بود. سطح پائین فرات همراه با آلودگی ناشی از مواد ضدآفات نباتی، مواد شیمیایی دیگر استعمال شده از سوی سوریه و نمک، دولت را مجبور ساخته که آب آشامیدنی و برق تحویلی به دمشق، حلب، و چند شهر دیگر را کاهش دهد. اغلب شبها دمشق بدون آب می‌ماند و برآورد شده که این شهر ۳۰ درصد از آب موجود خود را در اثر لوله‌های کهنه و پوسیده ترکیه از دست میدهد. عراق برعکس سوریه این شانس را دارد که از آبهای دجله که مورد بهره‌برداری کمتری قرار می‌گیرد برخوردار می‌باشد. قبل از بحران کویت، عراق در نظر داشت بیش از ۳۰۰ میلیون دلار در ۲۰ طرح کنترل سیل، هیدروالکتریک، ذخیره‌سازی آب و آبیاری بر روی دجله، شعب آن و دریاچه «ثرثار» سرمایه‌گذاری نماید.

یک طرح عمده دیگر نیز قرار بود اجرا شود که آب را از دجله به دریاچه ثرثار و سپس به فرات (در صورتیکه آب فرات برای آبیاری زمینهای مزرعی کافی نباشد) منتقل نماید.

سابقه منازعات و اختلافات بر سر آب آشکار است. در ۱۹۷۵ عراق و سوریه بخاطر تقلیل جریان آب فرات از سوی سوریه جهت برگردن سد الثوره که عراق ادعا میکرد زندگی ۳ میلیون نفر از زارعین آن کشور را تحت تأثیر قرار داده، تقریباً به ورطه جنگ کشیده شدند. بطوریکه گزارش شده ترکیه نیز ادعا



حوادث هولناک بوسنی «کابوس بشریت» است

● یک روزنامه آمریکایی از تحرك واشنگتن علیه دولت متجاوز بلگراد حمایت کرد و خواهان اعمال زور علیه صرب‌ها شد. نیویورک تایمز در سرمقاله خود با توصیف حوادث هولناک جمهوری بوسنی به «کابوس بشریت» نوشت: تصمیم جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا برای پیگیری مجدد بحران بوسنی در شورای امنیت و ترغیب اعضای شورا، به اعمال تدابیر تنبیهی علیه رهبر رژیم غیرمشرع صرب؛ این پیام را در بردارد که تحریمهای خفه کننده برای قطع تجاوزات اعمال خواهد شد.

این روزنامه به نقل از وزیر خارجه بوسنی می نویسد: فریاد کمک يك ملت را نباید بی پاسخ نهاد، زیرا در غیر آن وجدان بشری آرامش نخواهد یافت.

نیویورک تایمز با محکوم کردن حادثه کشتار مردم بوسنی در صف نان نوشت: هفتصد هزار تن از مردم بوسنی در اثر تجاوزات نیروهای صرب از خانه و کاشانه خود رانده شده اند. دولت آمریکا برای کمک به این افراد باید سریعاً اقدام کند و بهترین اقدام تشکیل يك نیروی مسلح توسط سازمان ملل برای اسکورت کاروان کمکهای غذایی و دارویی مورد نیاز قربانیان در بوسنی است.

این روزنامه افزود: میلوژویچ، کمونیست دو آتشه و رهبر صربهای یوگسلاوی، مودیانه می کوشد با مانورهای تاکتیکی، از جمله اعلام عقب نشینی ارتش بلگراد و شبه نظامیان صرب از بوسنی هرزگوین، شورای امنیت را از تصویب تدابیر تنبیهی باز دارد.

به نوشته این روزنامه، شورای امنیت نباید تنها به اعمال تحریم اکتفا کند و در صورتی که باند شرور میلوژویچ به قانون تمکین نکند، باید تادیب دولت بلگراد از طریق اعمال زور دنبال شود.

این روزنامه عملکرد سازمان ملل را در بوسنی مورد انتقاد قرار داده و می نویسد: کمیساریای عالی آوارگان زمانی که شبه نظامیان صرب راه را بر روی کاروان مواد غذایی سازمان ملل به ساریوو بستند و سه تن از پرسنل این سازمان را مجروح کردند و يك تن را کشتند، متأسفانه فوراً از منطقه عقب نشینی کرد.

نیویورک تایمز در پایان متذکر شده است که آمریکا می تواند امنیت کاروانهای مواد غذایی و دارویی را به بوسنی تضمین کند و باید به دلایل بشردوستانه هم که شده وارد عمل شود.

بر اساس گزارشی دیگر، آلمان خواستار اخراج صربستان از سازمان ملل متحد شد و صربستان را «لکه ننگی بر دامن اروپا» توصیف کرد. به گزارش رویتر از بن، «کلاوس کینکل»، وزیر خارجه آلمان، ضمن اعلام این مطلب، از سازمان ملل متحد خواست به همراه جامعه اقتصادی اروپا تحریمهای بازرگانی علیه صربستان وضع کند.

وزیر خارجه آلمان گفت: صربستان باید در انزوای بین المللی قرار گیرد و تحریمهای جهانی از جمله تحریم نفتی علیه آن اعمال شود.

وزیر خارجه آلمان افزود: این درخواست را به اطلاع آمریکا، اعضای اروپای شورای امنیت سازمان ملل و پطروس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد رسانده است.

از سوی دیگر مسئولان امور درمانی بوسنی هرزگوین گفتند: در جنگهای دو ماه اخیر در این منطقه ۵۷۰۰ تن کشته و ۲۲ هزار تن مجروح شده اند. این تعداد دو برابر رقم برآورد شده قبلی است.

گزارش خبرگزاری رویتر از بلگراد به نقل از رادیو ساریوو حاکیست: مرکز مراقبت های پزشکی و اجتماعی بوسنی در يك کنفرانس خبری آمار مذکور را ارائه داد. این مرکز توسط نیروهای دفاعی مسلمانان و کروات که با شبه نظامیان صرب به مقابله برخاسته اند، ایجاد شده است.

اینکه بطور روشن از آنها تقاضا شود که برنامه ای برای مدیریت مسئله آب ارائه دهند.

دهه آب سازمان ملل متحد، تدارک آب و نصب وسایل آبرسانی را برای ۷۰۰ میلیون نفر مصرف کننده جدید و تسهیلات بهداشتی برای ۳۵۰ میلیون نفر را تحقق بخشید. بانک جهانی و سه بانک منطقه ای - بانک توسعه آفریقا، بانک توسعه آسیا، و بانک توسعه بین ممالک آمریکا - کمکهای عمده ای کرده اند اما میلیاردها دلاری که تا امروز صرف آب گردیده نمیتواند جوابگوی جمعیت رو به تزاید جهان باشد، و بعلاوه اینگونه صرف وجوهات در جهت ایجاد رشد متوازن اقتصادی با استراتژی سیاست خارجی پیوند داده نشده است.

برای مقابله با این موقعیت اضطراری، در ژانویه ۱۹۸۹ ابتکار اجلاس سران برای بررسی مسئله جهانی آب جهت جلب حمایت عالی ترین سطوح رهبری سیاسی در بین کشورهای کمک دهنده و مناطق صاحب منابع آب برای رویارویی با این مشکل عملی شد و مقامات بیش از ۴۰ کشور آفریقایی فعالانه در گفتگو و تبادل نظرها شرکت کردند.

اجلاس سران آفریقایی برای بررسی مسئله آب در ژوئن ۱۹۹۰ در مصر برگزار گردید، اعلامیه قاهره که در پایان اجلاس مزبور انتشار یافت حاکی از آن بود که در صورت همکاری کشورها، منابع آب و زمین آفریقا امکان تغذیه و نگاهداری چندین برابر جمعیت فعلی آن قاره را دارد.

در زمینه مسائل مربوط به منابع طبیعی، هیچ مسئله ای مهم تر از امنیت و تامین آب در منطقه خاورمیانه وجود ندارد.

سازنده ترین اقدام و سیاست از سوی کشورهای اعطاء کننده کمک و وام آن است که مدیریت منابع آب را بعنوان جز لاینفک امنیت و ثبات منطقه تلقی کنند.

این امر مستلزم تجدید نظر در سیاستهای مربوط به منابع آب و نهادهای داخلی ممالک خاورمیانه بر مبنای طرحهای یکپارچه مربوط به عمران اقتصادی

میباشد. اعتبارات مورد نیاز بخش آب بایستی بطور مداوم و به میزان مکفی افزایش یابد، مشروط بر اینکه تلاشهای پیگیر و هدف داری نیز بمنظور ایجاد سیاستهای لازم در خصوص قیمت گذاری و مدیریت صورت گیرد. پول

بتنهائی پاسخگوی طرحهای بزرگ و پایدار تدارک آب برای ممالک خاورمیانه نخواهد بود، همانطور که سرمایه گذارهای عظیم گذشته برای طرحهای

تبلیغاتی و مورد نظر رهبران منطقه نتوانسته از بحران کنونی جلوگیری نماید. یکی از مقامات ارشد وزارت خارجه آمریکا اخیراً اظهار داشته که «مسائل

مربوط به آب خیلی جالب توجه است لکن در سالجاری ما سرگرم بررسی مسئله گرم شدن آب و هوای جهان هستیم.» گروههای عمده فراهم آورنده منابع مالی

غیر دولتی - با توجه به کوتاه بینی دیوانسالاری حکومتی - به اهمیت زیست محیطی آب اذعان دارند لکن توضیح میدهند که این امر در دستور کار و حوزه

وظایف آنها قرار ندارد. آندسته از کشورهای خاورمیانه که ناچارند منتظر فرصت و زمان مناسب در آینده بمانند تا بتوانند روی مسئله امنیت آب تمرکز

بیشتری داشته باشند، شاید نتوانند از فاجعه برکنار بمانند.

ریچارد آرمیتاژ، معاون سابق وزارت دفاع در امور امنیت بین المللی و میانجی کنونی وزارت خارجه آمریکا برای سد «وجه» اعتقاد دارد که دولت

امریکا از مدتها پیش به این صحنه امنیتی توجه داشته است: «زمان آن برای ایالات متحده فرارسیده که تشخیص بدهد بحران آب در خاورمیانه رو به وخامت

گذارده و لازم است بعد جدیدی بر سناریوهای جنگی خویش بیفزاید... احتمالاً زمان برای حکومت آمریکا مناسب است که تلاشی دراز مدت و چند ملیتی را

در این صحنه سازماندهی نماید.»

در پاسخ به این سؤال «تکراری» که آیا میتوان قبل از حل و فصل مسائل بزرگتر سیاسی در منطقه، مسائل دو جانبه مربوط به آب بین کشورها را بطور

جدی مورد بررسی قرار داد؟ فقط يك پاسخ وجود دارد: يك رهیافت حاکی از بی اعتنائی دولتها در خصوص کمبود آب در خاورمیانه، هرگونه ابتکار صلح

را در آینده با شکست مواجه خواهد ساخت. کینه و برخورد در خاورمیانه فراوان است لکن مسئله آب به مرحله بسیار جدی و خطرناکی رسیده است. نشستن بر سر میز مذاکره برای بقا اقتصاد و سیاسی منطقه، امری حیاتی است. در واقع يك عکس العمل سازنده در قبال همکاریهای مربوط به آب میتواند راه

جدیدی به سوی صلح بگشاید.